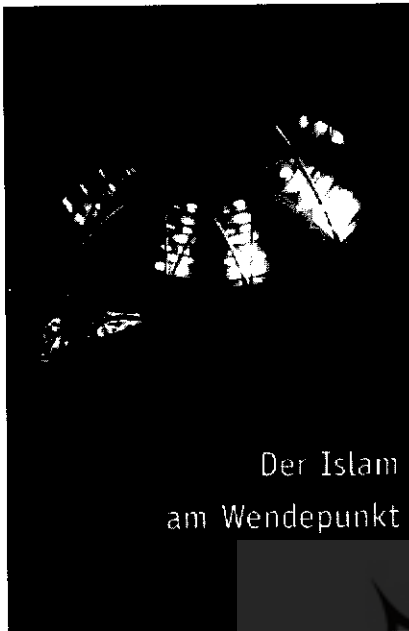


# جهان اسلام بر سر دوراهی

خسرو ناقد



و از فعالان جنبش زنان مسلمانانند و در زمره «اصلاح طلبان» و متفکران مسلمان به شمار نمی‌آیند. با این همه، شخصیتی چون شیرین عبادی، گرچه خود را در شمار اندیشمندان اصلاح طلب مسلمان نمی‌داند، اما همواره بر نیاز به تفسیری تازه از اسلام که بر مبنای آن زمینه تحقق حقوق بشر و احقاق حقوق زنان فراهم آید، تاکید داشته است.

از دیگر چهره‌های طرفدار حقوق زنان، جمال‌البناء، برادر کوچکتر حسن‌البناء بنیانگذار اخوان المسلمین مصر است که در دهه پنجاه میلادی، مدت زمانی نیز ریاست انجمن دفاع از زندانیان سیاسی را در مصر به عهده داشت. او که از منتقدان روحانیان سنی‌الازهر و از مخالفان تفسیرهای رسمی از قرآن است با استناد به نص صریح قرآن که می‌گوید: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست) بر این باور یا می‌فشارد که خداوند در قرآن تفاوتی میان زن و مرد، دارا و ندار و میان نژاد و ملیت‌های گوناگون قائل نشده است. جمال‌البناء نه تنها با روحانیت اهل تسنن مخالف است، بلکه با هر نهادی در جهان اسلام که مدعی انحصار تولیت دین و تفسیر رسمی متون دینی است، سر ناسازگاری دارد.

## چهره‌های اسلام اروپایی

«چهره‌های اسلام اروپایی» عنوان فصل دیگری از کتاب است که به معرفی شخصیت‌هایی اختصاص یافته است که کمتر در کشورهای اسلامی شناخته شده‌اند و حوزه تاثیرگذاری آنان بیشتر در میان مسلمانان کشورهای اروپا یا آمریکای شمالی است. اینان که کمابیش از فرهنگ و مناسبات موجود در غرب شناختی کافی دارند، از روش‌ها و راه‌های ارتباطی مدرن در تبلیغ نظرات خود سود می‌جویند.

این بخش از کتاب با معرفی طارق طاروق رمضان، یکی از نوادگان حسن‌البناء، آغاز می‌شود و با آشنایی با دیدگاه‌ها و فعالیت‌های صهیب بن شیخ، بکرالقاء، فتح‌الله گولن و عبدالحکیم مراد ادامه می‌یابد.

طاروق رمضان در حال حاضر یکی از چهره‌های جنجالی برانگیز در رسانه‌های غربی است و نظرات بحث‌انگیز و سخنان دوپهلوی او با زتاب‌هایی متفاوت در کشورهای مختلف در پی داشته است. او که اینک در سوییس سکونت دارد، توانسته است برای طرح دیدگاه‌های خود به بهترین شکل از رسانه‌های مدرن سود جوید و توجه جوانان مسلمان شهرهای بزرگ اروپا را به خود جلب کند.

صهیب بن شیخ، مفتی شهر ماری (فرانسه) نیز که دانش آموخته دانشگاه الازهر مصر است و دوره دکتری خود را در سوربن به پایان رسانده است، گرچه توانسته نظر

امروزه با شنیدن نام «اسلام» بر ذهن بسیاری از شهروندان جوامع غربی پرسش‌هایی از این دست نقش می‌بندد: اسلام دین جنگ است یا صلح؟ اسلام و مسلمانان چه نسبتی با عملیات خشونت‌آمیز دارند؟ آیا اسلام ستم بر زنان و سرکوب دگراندیشان را روا می‌دارد؟ خردورزی چه جایگاهی در اسلام دارد؟ آیا اسلام با دموکراسی در تضاد است؟ علل دشمنی جهان اسلام با جهان غرب چیست و آیا این خصومت پدیده است؟ و سرانجام آنکه آیا دوران کنونی نقطه عطفی در تاریخ اسلام است و جوامع مسلمان اینک، در آستانه هزاره سوم میلادی، بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند؟

به نازگی کتابی در آلمان با عنوان «جهان اسلام بر سر دوراهی» منتشر شده است که نویسندگان آن کوشیده‌اند در محدوده مقالاتی کوتاه، شماری از چهره‌های سرشناس جهان اسلام و تنی چند از متفکران مسلمان را معرفی کنند و با انتقال چکیده‌ای از نظرات آنان به خوانندگان غربی، برای برخی از این پرسش‌ها و پیشنهادی‌ها پاسخ‌هایی بیابند.

کتاب به پنج فصل تقسیم شده است:

- ۱- چهره‌های اسلام اروپایی.
- ۲- طرح‌های یک دموکراسی دینی
- ۳- امکان‌ات و محدوده‌های اصلاح شریعت اسلام
- ۴- فهم آیندگان از قرآن
- ۵- جنبش زنان مسلمان و فعالان حقوق بشر

نویسندگان مقاله‌ها که اغلب روزنامه‌نگاران و شرق‌شناسان جوان آلمانی هستند، با دیدی مثبت و نگاهی خوشبینانه به سراغ برخی از چهره‌های سرشناس و تاثیرگذار مسلمان رفته و کوشیده‌اند تا با کاوش در دیدگاه‌های آنان، تحولات فکری مسلمانان در دوران معاصر و گوناگونی دیدگاه‌ها و فرائض‌های متفاوتی که از اسلام و متن کتاب مقدس مسلمانان وجود دارد، نشان دهند.

به گمان آنان چهره‌هایی چون طاروق رمضان، فتح‌الله گولن، محمد شعراوی، یوسف قرضاوی، محمد شیبستری، عبدالکریم سروش، خالد ابوالفضل، فرید اسحاق، جمال‌البناء و عبدالحکیم مراد در شمار «اصلاح طلبان دینی لیبرال یا محافظه کار» جهان اسلام‌اند که در عین پایبندی به مبانی و ارزش‌های اسلام، می‌کوشند تا میان اعتقادات و سنت‌های دیرپای مسلمانان از یک سو و اصول دموکراسی و حقوق بشر و تحولات شتابناک جهان از سوی دیگر، تعامل و تعادل برقرار کنند.

## بازگشت به ارزش‌های اولیه

این چهره‌ها را شاید بتوان زیر عنوان کلی «تحول طلبان مسلمان» جا داد. در حالی که «اصلاح طلب» نامیدن این افراد تنها به شرطی موجه است که برداشت ما از مفهوم «اصلاح» (reform) « به معنای امروزی و سکولار آن، یعنی تصحیح و تغییر بنیادها و «نوآوری» به منظور جایگزین نمودن و تعویض تدریجی «نو» یا «کهنه» نباشد. بلکه «اصلاح» به معنای اولیه آن یعنی «بازگشت» (re) « به «صورت» (form) « اصلی و آغازین دین اسلام و ارزش‌های اولیه آن در نظر گرفته شود.

فراموش نکنیم که حسن‌البناء، بنیانگذار جنبش اخوان المسلمین و «پدر معنوی اسلامگرایان»، وقتی لغت «اصلاح» را به زبان آورد که خواهان احیای شریعت اسلامی بود که به اعتقاد او باید جایگزین قوانین عرفی شود. افزون بر این، نهضت اصلاح دین مسیحی (reformation) نیز با شعار «بازگشت به سرچشمه مسیحیت» آغاز شد که البته در سیر تکاملی خود دستاوردهایی در خور به همراه داشت.

بر این اساس شاید این سخن فرانسویس فوکویاما را بهتر بتوان دریافت، آنجا که می‌گوید: «تنها از دل بنیادگرایی است که جنبشی اصلاحی در اسلام سر بر خواهد آورد.»

## جنبش زنان مسلمان و فعالان حقوق بشر

البته در این کتاب به نام کسانی نظیر شیرین عبادی، جهان حلفاوی و نادیه یاسین نیز برمی‌خوریم. اینان اما بیشتر جزو مدافعان حقوق اقلیت‌ها و طرفداران حقوق بشر

نخبگان و رسانه‌های فرانسوی را به خود جلب کند، اما دیدگاه‌های لیبرال او و مخالفت آشکار با بنیادگرایی و هشدارهایش از به سیاست آلودن اسلام، موجب کاهش محبوبیت او در میان اکثریت مسلمانان فرانسه شده است. رسانه‌ها از او به عنوان شخصیتی پرچم‌باز نام می‌برند که با صراحت به مخالفت با اسلام‌گرایان تندرو برخاسته و معتقد است که شریعت اسلام با «جمهوریت» و «مدرنیته» سازگاری دارد. او از میان برداشتن تبعیضات و به رسمیت شناختن فرهنگ اسلامی از سوی دولت فرانسه را تنها راهکار جلوگیری از گسترش افراطگرایی در میان جوانان مسلمان می‌داند. بن شیخ رویدادهای فلسطین، بوسنی، چین، افغانستان و عراق را عامل تحقیر و سرخوردگی مسلمانان و یکی از علل اصلی گسترش افراطگرایی در میان مسلمانان می‌داند.

### آموزش و اتکا به اخلاق اسلامی

محمد فتح‌الله گولن، خطیب مسلمان ترک که فعالیت‌های خود را در دهه ۱۹۵۰ میلادی آغاز کرد و با کمک مقامات رسمی و با پشتیبانی دولت ترکیه در دهه ۱۹۸۰ به آن شدت بخشید، توانسته است با پیوند ناسیونالیسم ترک با اسلام هواداران بسیاری گرد آورد.

او که مؤسس یکی از بزرگترین و گسترده‌ترین نهادهای آموزشی در ترکیه است، حوزه فعالیت خود را به کشورهای غربی نیز گسترش داده است. افزون بر نزدیک به ۱۵۰ مدرسه خصوصی و کلاس‌های آمادگی دانشگاهی و خوابگاه دانشجویی در ترکیه، در بسیاری از شهرهای آلمان نیز کلاس‌های کمک‌درسی برای دانش‌آموزان ترک ساکن آلمان تأسیس کرده است. گولن روزنامه‌ای نیز به زبان ترکی به نام «زمان» منتشر می‌کند.

فتح‌الله گولن آموزش مدرن و اتکا به اخلاق و ارزش‌های اسلامی را چالش بزرگ مسلمانان در هزاره جدید می‌داند. او در نوشته‌های خود می‌کوشد به پرسش‌هایی پاسخ گوید که برای حفظ هویت نسل جوان مسلمانان ترک که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند، دارای اهمیت است. مثلاً پرسش‌هایی از این دست که «چرا پیامبر اسلام همزمان چندین همسر را اختیار کرده بود؟» گولن تعدد زوجات را سنتی برخاسته از اسلام نمی‌داند و با اشاره به پیشینه تاریخی آن، دلایل خود را در مورد چندهمسری بیان می‌کند.

ایجاد نهادهای آموزشی خصوصی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از یک سو و دیدگاه‌های او مبنی بر سازگاری ارزش‌های اسلام با لائسیسم (جدایی دین و دولت) از سوی دیگر و همچنین مخالفت آشکار با اعمال خشونت‌آمیزی که به نام اسلام صورت می‌گیرد، از او چهره‌ای موفق با سیاست‌های دولت ترکیه و مطلوب ترک‌های مسلمانی ساخته است که می‌کوشند با حفظ هویت فرهنگی و دینی، خود را آماده پذیرش اصول اولیه دموکراسی و ورود به اتحادیه کشورهای اروپایی می‌کنند.

### امکانات و محدودیت‌های اصلاح شریعت اسلام

این بخش به معرفی سه چهره کاملاً متفاوت از شخصیت‌های سرشناس و بانفوذ جهان اسلام می‌پردازد که در تالیفات خود کوشیده‌اند مرزها و محدودیت‌های تحول و اصلاح شریعت اسلام را ترسیم کنند: محمدحسین فضل‌الله، یوسف قرضاوی و خالد ابوالفضل.

از سیدمحمدحسین فضل‌الله، اغلب به عنوان «رهبر معنوی جنبش حزب‌الله لبنان» یاد می‌شود که به اقدامات و عملیات استشهادهای گروه‌های تندرو اسلامی به دیده اغماض می‌نگرد. اما او در کنار چهره‌ای انقلابی، فقیه ورزیده‌ای است که با قرائتی نو و تفسیرهای تازه از قرآن کوشیده است مفاهیم بنیادین و پویای قرآن را استخراج کند.

او معتقد است که از متن قرآن قواعد بسیاری می‌توان استخراج نمود که زندگی مسلمانان امروز را بهبود بخشد. محمدحسین فضل‌الله، دیدگاه آن گروه از مسلمانان را که بر نامشروع بودن دموکراسی و انتخابات تأکید دارند، ناروا می‌داند و این دو را در تقابل با اصول و مبانی اسلام نمی‌داند. او تا آنجا پیش می‌رود که نظام حزبی در آمریکای شمالی را دموکراسی و در خور تحسین می‌خواند.

### «حکومت دینی» و «حکومت اسلامی»

شاید اگر در اسلام نیز منصبی هم‌تراز پاپ وجود می‌داشت، یوسف قرضاوی می‌توانست یکی از مستعدترین شخصیت‌ها برای احراز این مقام باشد. این روحانی مصری تبار اهل سنت و مفتی بزرگ قطر، که ریاست «اتحادیه جهانی علمای

مسلمان» را به عهده دارد، در حال حاضر سرشناس‌ترین عالم اهل سنت در حقوق اسلام است. گستره تالیفات او تقریباً تمام مسایل مهم و موردتوجه مسلمانان معاصر را در برمی‌گیرد.

قرضاوی در مورد «حکومت دینی» و «حکومت اسلامی» و تفاوت این دو نظراتی جالب و در خور تأمل دارد. او معتقد است که بر مبنای راهنمودها و باتوجه به تاریخ اسلام، «حکومت اسلامی» حکومتی است مدنی که تسلط و کسب قدرت در آن بر اساس «شورا و بیعت» و اصل انتخاب است. رهبر یا رئیس جمهور نیز در آن به مثابه وکیل و کارگزار امت هستند. امت محور چنین حکومتی است و می‌تواند تصمیمات و افعال رهبر را زیر نظر داشته باشد و به او امر و نهی کند. هرگاه رئیس حکومت به کژراهه و خطا رفته امت حق دارد از راه‌هایی مسالمت‌آمیز و در صورت نیاز با انقلاب او را برکنار کند. «حکومت دینی» اما همان «تنوکراسی» است که در قرون وسطی برپا شده بود و روحانیان مسیحی در آن زمام امور را در دست داشتند.

روحانیونی که خود و افعال و اعمال خود را «به نام خدا» و به عنوان «نمایندگان خدا بر روی زمین» بر جان و مال مردم تحمیل می‌کردند. آنان به مردم این نظر را تلقین کرده بودند که هر آنچه روحانیون در زمین روا بشمارند، خداوند هم در آسمان آن را تأیید می‌کند. قرضاوی نتیجه می‌گیرد که چنین حکومتی هیچ نسبتی با اسلام ندارد و به هیچ وجه مورد تأیید قرآن نیست.

### تساهل در اسلام

خالد ابوالفضل، استاد مصری تبار دانشگاه کالیفرنیا و کارشناس حقوق اسلام، شخصیتی علمی و دانشگاهی و در عین حال از چهره‌های جنجالی و بحث‌انگیز رسانه‌های آمریکا در سال‌های اخیر است. او که در این میان تابعیت آمریکایی را پذیرفته است، درست سه روز پس از رویداد یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، با انتشار مقاله معروف و جنجالی خود در روزنامه «لس آنجلس تایمز» با عنوان «بر سر تساهل و مدارای اسلامی چه آمده است؟» توجه افکار عمومی را به خود جلب نمود.

کتاب «تساهل در اسلام» یکی از مشهورترین آثار اوست که به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است. خالد ابوالفضل در این کتاب می‌کوشد تا از زمینه اجتماعی و تاریخی متن قرآن، اصول جهانشمول آن را کشف و تعهد اخلاقی اسلام را اثبات کند. او در تفسیرهای خود بر سنت تساهل و مدارا در اسلام تأکید دارد.

او در رساله «جایگاه تساهل در اسلام» خاطرنشان می‌کند که تمدن اسلامی، فرقه‌های متعصب و افراطی را به طور سنتی به حاشیه رانده است. با این همه، استدلال می‌کند که به سبب سوء استفاده گروه‌های افراطی از نمادهای اسلامی و نیز رکود در حیات مدنی و زندگی اقتصادی جوامع اسلامی، در حال حاضر اسلام با بحران مرجعیت دینی روبروست.

خالد ابوالفضل معتقد است که دموکراسی با تعیین حق بیان، حق تشکیل انجمن و حق رای برای همگان، بیشترین قابلیت را برای رشد عدالت و حمایت از شان انسانی دارا است. یکی از ایده‌های بنیادین در قرآن این است که خداوند با قرار دادن تمام آدمیان به عنوان نایب خود بر روی زمین، به تمام بشریت نوعی الوهیت اعطا کرده است.

### نتیجه کلی

چهره‌هایی که در این کتاب با نظرات آنان آشنا می‌شویم، از کشورهای مصر، ترکیه، ایران، سوریه، لبنان، مراکش، قطر، اندونزی و آفریقای جنوبی برخاسته و برخی نیز در اروپا و آمریکای شمالی ساکن‌اند.

تاملی کوتاه بر اندیشه‌های این شخصیت‌ها و نیز نگاهی گذرا بر کارنامه آنها، تفاوت‌های اساسی در دیدگاه‌ها و نظرات آنان را آشکار می‌سازد. از این رهگذر شاید بتوان به وضوح مشاهده کرد که به دست دادن قرائتی واحد از قرآن و یافتن روشی یکتا و برداشتی یگانه از دین اسلام میسر نیست و هر کس از ظن خود در این وادی سیر می‌کند، یعنی در واقع آنچه تاکنون دین اسلام را از نظر تبدیل شدن به ایدئولوژی مصون داشته است.

مشخصات کتاب

Der Islam am Wendepunkt

Liberaler und konservativer Reformen einer Weltreligion

Hrsg. Von: K. Amirpur und L. Ammann

2Heder, Freiburg, ۲۰۰۰